

امیرنظام گروسی، آراء، اندیشه ها و فضائل

مجتبی قمری زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع)

m_ghamari56@yahoo.com

چکیده: در این مقاله به بررسی آراء و اندیشه‌های مرحوم حسنعلی خان گروسی ملقب به امیرنظام گروسی پرداخته می‌شود. پس از مقدمه‌ای درباره زندگینامه او به بررسی موضوعی مشخصات ممتاز شخصیتی او پرداخته می‌شود و به واسطه آنها تلاش می‌شود آراء، اندیشه‌ها و فضائل او مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق کیفی و کتابخانه‌ای مانند مراجعه به اسناد تاریخی، گزارش‌ها، مقالات و تحقیقات دانشگاهی در این مقاله استفاده می‌شود. بررسی شخصیت چندبعدی امیرنظام مانند فرماندهی نظامی، مشی حکومتی، بزرگ‌منشی و ارادت به اهل بیت پیامبر(ص)، اهتمام به آبادانی کشور، علاقه به موطن، رهبری فکری جریان‌های سیاسی مانند مشروطه، تکریم علما و دانشمندان، قلم زیبا و علاقه وافر به کتاب و نظم و نثر فارسی و عربی، خط زیبا و ابداعی، بنیانگذاری آموزش‌های نوین، تاثیر بر ادبا و علمای نامی، دیپلماسی قوی و تسلط بر برخی زبان‌های اروپایی و موارد دیگری از شخصیت او در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: امیرنظام گروسی، آراء، اندیشه ها، فضائل

AmirNezam Garoosi, opinions, thoughts and virtues

Mojtaba Ghamarizadeh

Imam Hussein University

m_ghamari56@yahoo.com

Abstract: This article discusses the opinions and thoughts of Hassan Ali Khan Garoosi, nicknamed AmirNezam Garoosi. After an introduction about his biography, his personality is studied and an attempt is made to study his opinions, thoughts and virtues. Qualitative and library research methods such as referring to historical documents, reports, articles and academic research are used in this article. The study of the multidimensional personality of AmirNezam, such as military commander, government policy, great generosity and interest in the family of the Prophet of Islam, concern for the development of the country, interest in his homeland, intellectual leadership of political movements such as Mashroote Movement, honoring scientists, beautiful handwriting, great interest in books, Persian and Arabic poetry and prose, beautiful and innovative calligraphy, Establishing a new education method, influence on famous writers, diplomatic ability and mastery of some European languages and other aspects of his personality are examined in this article.

Keyword: AmirNezam Garoosi, opinions, thoughts, virtues

مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی یکی از مردان تاثیرگذار و نکونام تاریخ معاصر ایران است که می توان او را مصداق بارز شعر معروف سعدی در نیکنامی و خدمت پیوسته به خلق و مُلک به حساب آورد.

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی نبرند

سرزمین گروس کردستان ایران زمین در تاریخ پرفراز و نشیب ایران، نامی آشنا است و بزرگان و مشاهیر ارزنده‌ای از این سرزمین برخاسته‌اند. مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی در سال ۱۲۳۶ هجری قمری در خانواده‌ای اصیل و گروسی دیده به جهان گشود. خانواده او از خانواده‌های قدیمی و سرشناس ایران بوده و سالیان متمادی مصدر خدمات مهمی در کشور بوده‌اند. مرحوم امیرنظام گروسی "به صنعت کاردانی و کفایت مو صوف، و در صداقت و درایت مشهور، و از اجله خانواده‌های بزرگ و مهذب دولت ایران است" (وقایع نگار کردستانی در کتاب حدیقه ناصری). او پس از پایان کودکی و فراگیری تحصیلات، مدارج و پله‌های ترقی را تدریجی و با اتکاء به توانمندی، لیاقت و استعداد ذاتی خویش طی کرد و لحظه‌ای از عمر سراسر خدمت او به بیهودگی نگذشته است. می‌توان خود او را بهترین مصداق وصیتش به فرزندش دانست که گفته است: "بر آن باش جز با خداوندان دانش به سر نبری و عمر گرامی را در کارهای باطل و عملهای بی‌حاصل صرف نکنی. پیوسته همت خود را بر کارهای بزرگ و شگرف بگمار و دل بر آن محکم و قوی دار" (امیر نظام گروسی).

خدمت او با نظامی‌گری شروع شد و سپس با عناوین مختلف سیاسی و حکومتی و دیپلماسی و وزارت ادامه یافت. در وجود این شخصیت بزرگ عناصر متنوعی از یک انسان ممتاز و برجسته گردآمده بود که او را به شخصیتی چند بعدی و جامع در بسیاری از خصلت‌های ستودنی تبدیل کرده بود که در همه ابعاد موفقیتی شگرف و پیشرفتی در حد اعلا یافته بود. کافی امیرانی بیان می‌کند "امیرنظام شخصی کریم‌النفس و منیع‌الطبع و با عرضه و کفایت بوده و در هر کاری که وارد شده به وجه احسن و اکمل آنرا اداره کرده و...." (کافی امیرانی). امیر روشن ضمیر باتدبیر، صاحب شمشیر و قلم، نظامی مقتدر، حاکم پرصوت، وزیر مختار و دیپلمات کاردان، ادیب و نثرنویس نوآور، شکسته‌نویس صاحب‌سبک، سیاستمدار و ترقی خواه آینده‌نگر و دوراندیش صفاتی است که در تاریخ با نام امیرنظام گروسی گره خورده است. تاریخ هیچ نشانی از رفتار ناپسند و ضعیف از او سراغ ندارد و هر چه هست همه نشان از لیاقت و توانمندی و خدمت صادقانه و بزرگ منشی اوست. همه رجال ایرانی و خارجی هم عصر او، که با ایشان آشنایی داشته‌اند، به شایستگی‌ها و توانمندی‌ها و سلامت نفس او در حد کمال گواهی داده‌اند.

به گواهی تاریخ امیرنظام گروسی در دوران مملو از کم‌فروشی، خیانت و وطن‌فروشی حکومت قاجار همواره به فکر خدمت به ایران و آبادانی و پیشرفت این دیار کهن بوده است و به گفته خود او که بیان کرده بود "با هر سمت می‌توان به دولت و مملکت خدمت کرد" همواره در اندیشه اعتلای ایران بوده است. اگر آبرویی در تاریخ قاجاریه برای ایران قابل تصور باشد قطعاً مرهون وجود معدود چهره‌های وطن‌دوست و مدبری چون امیرکبیر، قائم مقام و امیرنظام گروسی است. گوشه‌هایی از آراء و اندیشه‌های این شخصیت ممتاز در مجموعه اقدامات، اظهارنظرهای خود و دیگران و آثار او قابل برداشت است. در این نوشتار به اختصار به پاره‌ای از محورهای مهم در اندیشه و عملکرد امیرنظام گروسی پرداخته می‌شود. هرچند "امیرنظام مهم‌تر از آن بوده است که در تذکره‌ها، و مقالات متفرقه و ترجمه‌ها و حالاتش بیان شده است" (منوچهر سعید وزیری).

شناخت عمیق شخصیت امیرنظام برای نگارنده این سطور در حد دستیابی به اندکی از دریای علم و عمل و معرفت و توانایی اوست و این شناخت مصداق جمله "و من نیز آنچه نوشتم از آفتاب اوامر ایشان ذره‌ای است" که خود ایشان در باب ارادت به

ائمه اطهار و نبی مکرم اسلام در کتاب پندنامه یحویه آورده است. محققان دیگری هم در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه، شعر و ... به بررسی آراء، اندیشه‌ها و فضائل مرحوم امیرنظام گروسی پرداخته‌اند.

روحیه فرماندهی و اقتدار نظامی

امیرنظام در سال ۱۲۵۲ ه ق با دریافت درجه سرهنگی به فرمانده افواج گروس منصوب شد و در سال ۱۲۵۳ با همین سمت در اردوی محمد شاه در محاصره هرات شرکت کرد و از خود شایستگی بسیاری نشان داد. در باب تاکتیک و توان فرماندهی و مدیریت صحنه نبرد و میدان رزم او چنین بیان شده است: "امیرنظام در ایام محاصره هرات بواسطه حمله‌های متواتره و تدابیر مستحسنه همه موانع را از پیش روی برداشته، اعمال نظامیه افواج خود را از قبیل تحصنات فوریه و مارپیچ و خط متوازی و پشتیوان و غیر ذالک، پیش از سایر ژنرالها خود را به خندق رسانیده و وقتی قلعه هرات به تصرف عساکر دولت ایران درآمد، اول بیرقی که برفراز برج و باره هرات نصب شد، بیرق افواج گروس بود" (وقایع نگار کردستانی). پس از آن نیز ماموریت‌های نظامی بسیاری به عهده او گذاشته شد که او به خوبی از عهده همه آنها برآمده بود. از جمله آن ماموریت‌ها می‌توان به محافظت ارگ تبریز، محافظت از سرحدات کرمانشاه در برابر عثمانی، سرکوبی فتنه سالار در خراسان، سرکوبی ملا محمدعلی زنجانی از پیروان باب در زنجان، ریاست افواج گارد سلطنتی، ریاست افواج گروس برای بازگرداندن نظم و امنیت در مشهد و حفاظت از هرات (برای بار دوم) می‌توان نام برد. در مورد لیاقت و چگونگی دریافت لقب امیرنظامی او چنین آمده است "او با خاموش کردن آتش ناامنی و سرکوب یاغیان و راهزنان و سرکشان در خطه آذربایجان لقب امیرنظام گرفت" (هوشنگ اتحاد). موفقیت او در این ماموریت‌ها نشان از درایت و پختگی تمام و کمال او در این زمینه دارد. اشارات نظامی او در پندنامه یحویه در این باب و همچنین در باب روانشناسی و روحیه جنگی سپاهیان، فرماندهی و مدیریت صحنه نبرد نشان از نهادینه شدن تاکتیک‌های نظامی در ذهن او و توانایی تحلیل و طراحی و تئوریزه کردن عملیات‌های نظامی توسط او دارد.

حکمرانی پر صولت

امیرنظام در مقاطع مختلفی از عمر سراسر خدمتش حاکم بخش‌های بسیار مهم و راهبردی در ایران بوده است. آذربایجان، کرمان و بلوچستان، کردستان و کرمانشاهان و گروس و همدان و تعدادی دیگر از شهرهای ایران، سالیانی مناطق تحت حکومت او بوده‌اند و به شهادت تاریخ او در حکومت هر جایی که بوده است مصدر تحولات عظیم و نظم و اصلاح امور و رفع نابسامانیها بوده است.

در زمینه اقتدار و توان حکومتی امیرنظام چنین آمده است: "مظفرالدین شاه در زمان ولایت عهدی، به واسطه اینکه والی مقتدری مانند حسنعلی خان امیرنظام را همه وقت مقابل خود می‌دید نه تنها امیرنظام زمام کل امور ایالت را در دست داشته بلکه مدت طولانی نیز بیکار و در حقیقت خانه نشین بوده است" (یحیی دولت‌آبادی).

آنگونه که در تاریخ بیان شده است گستره نفوذ سیاسی امیرنظام در زمان حضورش در آذربایجان بسیار وسیع و تا حوزه سلطنت کشور بوده است. تاریخ این نفوذ را چنین به تصویر کشیده است: "امیرنظام در پیشکاری آذربایجان به قدری مدیر و مقتدر بود که همگان حتی شاه و ولیعهد هم از او حساب می‌بردند" (محمد حسن خان اعتماد السلطنه).

با بررسی مجموعه اقدامات امیرنظام گروسی در آذربایجان و دیگر مناطق می‌توان او را در شمار معدود رجال و حکام پر صولت دوره قاجار نام برد که هیچگاه در کار خویش کم فروشی نمی‌کرد و همواره اقتدار و آزادگی و استواری را با هم داشته است.

منش والا و شخصیت آزاده امیرنظام

بی شک آنچه که امیرنظام را قبل از هر چیز به یک شخصیت ممتاز و بالنده تبدیل می کند روح و شخصیت آزاده اوست. حسن خط و انشاء، دلاوری در میدان جنگ و سیاستمداری و کاردانی در دیپلماسی و بسیاری عناوین دیگر اگرچه در وجود هر کسی متجلی باشد او را به صفاتی ویژه می آراند، اما به تحقیق قبل از هر چیز آنچه امیرنظام را در نظر خاص و عام و دوست و دشمن به امیرنظامی چنین پسندیده، تبدیل نموده است روح بزرگ، آزادگی و منش والای اوست.

در مورد شخصیت او چنین ذکر شده است : "امیرنظام قیافه ای بزرگ منش و گیرا داشت و با آنکه مهربان و متواضع بود، وقار و صلابت خاصی از وجودش می تراوید که خاص و عام را مجذوب می ساخت و به احترام و فروتنی او می داشت، حتی صدراعظم های وقت نیز از این موضوع برکنار نبوده و تحت تاثیر شخصیت وی قرار داشتند چنانچه اتابک او را بسیار گرامی می داشت و هر وقت امیرنظام وارد می شد شانه به شانه راه می رفتند، در صورتیکه وزراء و رجال دیگر بی اجازه او نمی نشستند" (دوستعلی خان معیرالممالک). حس جاه طلبی در او رسوخ نداشت و با آنکه زمینه برایش بسیار مساعد بود هرگز خیال صدارت در سر نپرورد و می گفت : "با هر سمت می توان به دولت و مملکت خدمت کرد". روایتی از شخصیت مستقل و آزاده امیرنظام در تاریخ ثبت شده است که امیر بی اعتنا به دست نوشته شاه مبنی بر اعطای لقب و سفارش شغل درخور به یکی از نوکران به نام غلامعلی خان، فرمان شاه را پاره کرده و در جواب آن نوکر می گوید: "این لقب را به تو دادند، تو چرا قبول کردی؟ نه تنها تو لایق این لقب نیستی بلکه فعلا کسی را درخور آن نمی شناسم." (دوستعلی خان معیرالممالک)

معینی کرمانشاهی حکایتی منظوم از امیرنظام گروسی نقل کرده است که نشان از ادب و منش بزرگ آن حاکم پرصورت و عالی مقام در برابر یک مجرم دارد. در این واقعه فردی را به جرم دزدی نزد ایشان بردند تا حکم به کیفرش دهد. امیرنظام او را چنین خطاب کرد:

گفت حاکم به دزد کای آقا از چه گشتی به حکم نفس اسیر

کسی از میان حاضران رو به امیر کرد و گفت چرا دزدی چنین را آقا خطاب کردی. امیرنظام در پاسخ آن شخص چنین می گوید:

هر کسی هرچه هست من باید به زبان ناورم کلام حقیر
با ادب گوی، هر چه می گوی با ادب باش و کس مکن تحقیر

که نشان از ماهیت درونی و نفس تزکیه شده امیرنظام دارد.

عبارتی از زبان آزادیخواه بزرگ محمد تقی خان پسیان^۱ که او نیز خود و پدرانش همه هستی و جان خود را در راه ایران زمین داده اند، وجود دارد که در مقام معرفی پدران و نیاکان خود با افتخار بیان می کند که "پدران و پدر بزرگ من، همه از سوگلی های رجال نامی ایران مثل میرزا تقی خان امیر کبیر و حسنعلی خان امیرنظام و غیره بودند" (عزیزالله کاسب). و نشان می دهد پسیان به روح و شخصیت امیرنظام در حد اعلا تاسی کرده و بدین سان امیرنظام را در کنار امیرکبیر قرار داده و تکریم می کند.

۱ کلنل محمد تقی خان پسیان از کردهای طایفه پسیان است.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در یادداشت‌های روزانه خود می‌نویسد: "امیرنظام در جریان امتیاز رژی و تحریم تنباکو در برابر فرمان شاه مبنی بر توزیع تفنگ میان سربازان و سرکوب اعتراضات به حق مردم در مخالفت با اعطای امتیاز یک‌جانبه به بیگانگان تمکین نکرده و فرمان شاه را نادیده گرفت و نهایتاً منجر به لغو این امتیاز شد". همچنین در جریان جنبش مشروطه و دستور شاه مبنی بر سرکوب ستارخان و باقرخان در تبریز، امیرنظام فرمان شاه را نادیده گرفت و محکم در برابر آن ایستاد و در این زمینه این جمله معروف از او به یادگار مانده است که به شاه می‌نویسد: "من کسانی را که فریادی جز آزادی و عدالت سر نداده‌اند را هرگز دستگیر نمی‌کنم".

در مورد شخصیت و منش امیرنظام در بدو ورود به حکومت کردستان و کرمانشاهان و گروس چنین آمده است: "امیرنظام چون شخصیت فهمیده و اروپا دیده‌ای بود در بدو ورود به سمت فرمانفرمایی کردستان و کرمانشاه و گروس و افشار و صاین قلعه و سرحداری غرب ایران دستور داده بود چند نفر از معاریف علما در دارالحکومه در اطاق حکومتی حضور داشته باشند و با بیانات فصیح یک‌یکان را نواخته و قرین مسرت می‌نموده است و پس از رفتن علما اعیان و اشراف را خواسته و بطور ایلیت همه را نزد خود می‌نشاند و همه را نوازش می‌نموده است و او این مختصر را جایگزین مجموعه مراسمات عریض و طویل گانه‌ای نموده بود" (شیخ محمد مردوخ). که حکایت از روح آزاده، سادگی و بیزاری او از تملق اطرافیان دارد.

ایرج میرزا در بیتی پرهیز امیرنظام گروس از دنیا طلبی را چنین می‌سراید

آن امیری که پیش نظر همت او کوه زر چون پرکاه است همه مقدارش

و در بیتی دیگر عزت و توانمندی او را چنین می‌سراید.

طلب دولت و عزت ننماید زیراک دولت و عزت او را بنمایند طلب

و در جایی نیز دستگیری امیر از مستمندان را چنین توصیف می‌کند.

در لیل و نهارت فقرا جمله دعا گو زیرا که تو ملجاء و وملاذ فقرایی

مواردی از این دست که در حافظه تاریخ ثبت شده است، همگی دلالت بر روح و شخصیت والا و آزاده امیرنظام دارد.

ارادت به اهل بیت پیامبر (ص)

امیرنظام ارادت خاصی به پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) داشت. از مجموعه فراز و فرودهای زندگی سراسر خدمت او چنین بر می‌آید که سیره عملی پیامبر بزرگ اسلام و امامان گرامی در روح و جان او حک شده بود و با آنکه او سال‌های زیادی از عمرش را در اروپا گذرانده بود، همواره در دایره آئین محمدی (ص) و حدود دین مبین اسلام و همواره وفادار به اسلام و ایران بوده است. سیره‌نویسان و مورخان دوره قاجار، اصل و نسب او را تا سده سوم اسلامی به عقب برده‌اند و نقل کرده‌اند که امام رضا (ع) هنگام عزیمت از مدینه به طوس به خانه «امیر عزالدین» از اجداد امیرنظام، که رئیس طایفه گروس بوده، نزول فرموده است و آن خاندان را مورد تفقد و تبرک قرار داده است. امیرنظام در کتاب ارزشمند "پند نامه یحویه" که به حق پندنامه‌ای نه فقط برای فرزندش یحیی بلکه برای همه ابنا بشر است، چنین می‌گوید: "شفیعی بهتر از امامان و توبه و رجوع از گناهان مجوی" و در ادامه می‌گوید: "زهار در هیچ مقام، ناسپاسی بر خود روا مبینی و از مرا سم بندگی و ستایش غفلت نیاری و بدیهی است که سعی و کوشش در مقام بندگی جز به قبول دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در معرض قبول نیفتد و رستگاری دنیا و آخرت جز به تولای ائمه اثنی عشر صورت نیندد و چون چنین دانی و اوامر و نواهی حضرات

ایشان را به درستی کار بندی، خود تو را از صد هزار پند و اندرز من کامل تر است و من نیز آنچه نو شتم از آفتاب اوامر ایشان ذره ای است (منوچهر سعید وزیری)"

درباب ارادت امیرنظام به امام رضا(ع) می توان به اهداء درب نقره ای ایوان طلای صحن مطهر آن حضرت توسط او در سال ۱۲۷۴ ه ق اشاره نموده که در ترنج های آن بعضی از سور و آیات قرآنی و احادیث نبویه و نیز قصیده ای نقش بسته است.

ترقی خواهی و اهتمام عمران و آبادانی

اهتمام و کوشش امیرنظام گروسی در آبادانی و عمران ایران زمین و مناطق تحت حکومت او در جای جای تاریخ ذکر شده است. آنگونه که از فعالیت های او استنباط می شود امیرنظام گام در هر ولایتی که می نهاده است همواره عمران و آبادانی آنجا، یکی از مسائل و دغدغه های مهم حکومتی او بوده است و سهم او در عمران و نوسازی ایران در عصر خویش سهم کلانی است. در تایید میل مفرط او به آبادانی و ترقی ایران زمین آمده است که "او بطور قطع و یقین در جناح ترقی خواه رجال دوران قاجار بوده است". امیرنظام فردی وطن دوست بود و با وجود آنکه سال ها در فرانسه و انگلستان به سر برد، همواره در اندیشه نحوه پیشرفت ممالک غربی و بومی کردن رمز و راز آن در ایران بوده است و هیچگاه سنت ها و داشته های فرهنگی و تمدنی کهن مرز و بوم خویش را فراموش نکرد و فریفته و شیفته فرهنگ و اندیشه به ظاهر زیبای تمدن غربی نشد.

در زمینه اهتمام امیرنظام به عمران و توسعه زیر ساخت های آن زمان ایران نوشته است: "در سال ۱۲۸۹ ق به عنوان وزیر فواید عامه در دولت سپهسالار منصوب و به عضویت شورای وزیران نیز پذیرفته شد و همچنین به درجه امیر تومانی نائل آمد. علی رغم بی برنامه گی و بی نظمی که در آن دوران، در امور اداری وزارتخانه ها رایج بود، حسنعلی توانست اقدامات نسبتاً مهمی در زمینه اصلاحات انجام دهد از جمله می توان به فعالیت های عمرانی و زیربنایی، همچون ایجاد شبکه راه آهن و راه سازی اشاره کرد" (اعتمادالسلطنه).

در دوره قاجار عمارت های حکومتی و عمومی بسیار زیبایی در تبریز احداث شده بود که خانه امیرنظام گروسی یکی از بارزترین بازمانده های این عمارت های تاریخی است، که هنوز هم با صلابت و عظمت خاصی در محله ششگلان تبریز خودنمایی می کند. این عمارت، که امروزه به موزه قاجار تبدیل شده است، در دوره ناصرالدین شاه و در زمان پیشکاری امیرنظام گروسی توسط وی بنا گردیده است و پیکره ای تمام قد از مرحوم امیرنظام در آن نصب شده است.

امیرنظام گروسی در زمان حکومت کردستان و کرمانشاهان و گروس در دامنه کوه آبیدر سنندج یکی از باغ های شاخص کردستان را به نام باغ امیریه احداث نموده است. بخش کرانی به مرکزیت شهر حسن آباد یا سوکند یکی از بخش های سه گانه بیجار گروس است. نام قدیمی مرکز آن "یاسته کند" بوده و چون حسنعلی خان امیرنظام گروسی در جهت عمران و آبادانی آن اقداماتی به عمل آورده بود به "حسن آباد یا سوکند" مشهور شده است و تغییر نام داده است.

او در زمان حضورش در اروپا دائماً در حال تحقیق و تفحص از راز و رمز ترقی صنعتی آنجا و انتقال یافته های خود به ایران بوده است. در این باره چنین بیان شده است: "امیرنظام غالب اوقات خود را به دیدن کارخانجات و مدرسه ها و مریض خانه ها و سربازخانه ها و غیر ذالک مصروف می داشت و همه آنها را به امعان نظر ملاحظه و مشاهده می نمود و در جزئیات هر چیزی تحقیقات کلی به عمل می آورد و در سفرهای مکرر خودش به انگلستان و بلژیک و ساردینا، به هر جا می رفت وقت خود را به تحصیل اطلاع، صرف می کرد." (وقایع نگار کردستانی). چنین پیداست که امیرنظام در دوران وزیرمختاری در اروپا همواره در اندیشه دست یافتن به رمز و راز پیشرفت و صنعتی شدن ممالک اروپایی بوده و در پی انتقال این راز به ایران بوده است.

علاقه به موطن و زادگاه

علاقه امیرنظام به زادگاهش علاقه ای بس وافر بوده است. این علاقه او در دو جای تاریخ به خوبی قابل استنباط است. نخست در یادداشتی که سه ماه پیش از فوت امیرنظام به خط یکی از منشیان او باقی است و در آخر آن نیز سطری به خط خود امیرنظام نوشته و آنرا مهر کرده است و در آن از برگرداندن حکومت گروس به خاندان امیرنظام توسط امیرکبیر حکایت کرده و در پایان نیز وصیت کرده است که "بازماندگان این نوشته را به اولین وسیله به نظر انور همایون و به ملاحظه اولیای دولت برسانند". از این نوشته چنین بر می آید که در واقع امیرنظام نسبت به اینکه حکومت گروس در دست گروسی باشد حساسیت زیادی داشته و به آن علاقه مند بوده است. در واقع او به طور غیر مستقیم وصیت کرده است و از اولیای دولت خواسته تا پس از مرگ او حکومت را از دست حاکمان گروسی خارج سازند و این نشان از عمق و علاقه قلبی او به میهن و زادگاه او است. دوم روایتی است که شیخ محمد مردوخ معروف به آیت الله مردوخ در درباره امیرنظام و علاقه وافر او به گروس و کردستان و اندرز مردم در دانستن قدر خود و حکومت کردستان چنین می نگارد: "امیرنظام در بدو ورود به سیمت فرمانفرمایی کردستان و کرمانشاه و گروس و افشار و صاین قلعه و سرحداری غرب ایران درباره سرزمین کردستان و ملت کرد و علاقه او به سرزمین کردستان و اهالی آن چنین می گوید: مدتی است که حکومت کردستان از کردستانی گذشته و بیگانه بر شما حکومت می کرد، گروس هم جزء کردستان است و هر دو ملت کرد هستند، این مرتبه من برای احیای کردستان و کردستانی آمده ام، نان کردستان را بار دیگر به دامن کردستانیان می گذارم، شما هم به آباء و اجداد خود تاسی کرده کردستان را خودتان مورد بهره برداری قرار دهید. نفاق نکنید، دوباره مسند و مقام خودتان را تحویل بیگانه ندهید. امروز من حاکم هستم، فردا که می روم خودتان حاکم باشید" (شیخ محمد مردوخ). جمله ای به زبان کردی گروسی از او در تاریخ به یادگار مانده است که عبارتست از: "خومان ارای خومان دل دسوتنیم، بیگانه ارای ایمه دل نسوتنیه"^۲. از این دو سند چنین بر می آید که امیرنظام علاقه ویژه ای به زادگاه، موطن، نژاد و زبان مادری خویش داشته است و به راستی می تواند الگو و آئینه ای تمام قد برای همه کسانی باشد که در عیان و نهان از انتساب خود به موطن و زبان مادری و نژادشان گریزانند.

علاقه به کتاب

امیرنظام علاوه بر آنکه سیاستمدار با نفوذ و نظامی کارکشته ای بود و در کار حکومت داری نیز از نوادر عصر خویش بوده است، انس و الفت ویژه ای با کتاب داشته است. از او دو اثر ارزنده به جای مانده است که شامل پندنامه یحیویه به خط و انشاء خود ایشان و منشآت ایشان که شامل تعدادی از نامه های دیوانی و نظامی اوست که هر دو کتاب به زیور طبع آراسته شده اند. او در کتاب پند نامه، به حق نقشه راه سعادت و اخلاق را نه تنها برای فرزندش یحیی خان ترسیم کرده است که افقی روشن و پندی برای همه اعصار و برای همه فرزندان ایران زمین به یادگار گذاشته است. بعنوان مثال در بخشی از آن چنین گفته است: "در هیچ مقام، خود را به شرافت نسب مَسِتای و از محامد صفات آباء و اجداد سخن مگوی و جهد کن که خود بالاصاله شایسته و در خور مدحت و ستایش باشی".

اهدا شاهنامه بایسنقری به کتابخانه کاخ موزه گلستان توسط امیرنظام یکی از اقدامات شاخص او در این باب است. این کتاب در اسفند ماه ۱۳۸۴ پس از ثبت در حافظه ملی برای ثبت در حافظه جهانی به سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) معرفی شد و سرانجام در خرداد ماه ۱۳۸۶ در حافظه جهانی به ثبت رسید. شاهنامه اهدایی امیرنظام در میان شاهنامه های

۲ این جمله کردی است، یعنی "خودمان برای خودمان دل می سوزانیم، بیگانه برای ما دل نمی سوزاند"

مصور و آراسته موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان از نامورترین و شناخته‌شده‌ترین نسخه‌های شاهنامه‌ها است. این شاهنامه به شماره ۷۱۶ در کتابخانه کاخ موزه گلستان ثبت شده است و در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در تهران منتشر شده است.

از کتابخانه امیرنظام بعنوان یکی از ۲۷ کتابخانه مهم دوران قاجار نام برده می شود که با توجه به اهداء کتاب نفیس و نامور شاهنامه بایسنقری توسط امیرنظام به کتابخانه کاخ موزه گلستان و اهتمام ویژه او به کتاب می توان استنباط نمود که کتابخانه امیرنظام احتمالا یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های دوران قاجار بوده و کتاب‌های نفیس و ارزشمندی را در خود جای داده بود.

اهتمام امیرنظام گروسی به انتشار کتاب "دبستان پارسی" که خلاصه و کوتاه شده دستور سخن میرزا حبیب اصفهانی است از دیگر خدمات او به زبان و ادب فارسی بوده است. کتاب دستور سخن میرزا حبیب اصفهانی نخستین کتاب درباره قواعد زبان فارسی است. در این کتاب برای اولین بار قواعد زبان و ادب فارسی از عربی جدا شده است و آنها را از دایره تقلید صرف و نحو عربی خارج کرده است. در این کتاب برای اولین بار واژه "دستور" برای بیان قواعد به زبان و ادب فارسی معرفی شد.

به همت امیرنظام کتابهای زیاد و با اهمیت دیگری بطور مستقیم و یا غیر مستقیم احیا، نگارش، ترجمه و چاپ شده است که از آن جمله می توان امر او به تصحیح کتاب کلیله و دمنه بوسیله حاج وکیل اعتماد الممالک و تشویق میرزا باقر فخرالکتاب به کتابت آن و چاپ آن به نفقه خود امیرنظام، تشویق میرزا علی آقا ثقه الاسلام به ترجمه رساله بٹ الشکوی تالیف ابوالنصر محمد بن عبدالجبار العتبی، تشویق و راهنمایی محمد صادق خان قاجار به کتابت دیوان منوچهری، تشویق محمدخان سرهنگ به خوشنویسی دیوان فرخی، تشویق حاجی میرزا محمد حسین مکتب‌دار به خوشنویسی گلستان سعدی، سفارش ترجمه کتاب تربیت اطفال اثر ژبوکس و تشویق به ترجمه آثار دومای فرانز سوی را نام برد. همچنین به تشویق او اعتصام دفتر چاپخانه مجهری با حروف سربی در تبریز دایر نمود که همگی نشان از اهمیت کتاب و نشر آن در اندیشه امیرنظام گروسی دارد.

رهبری فکری جریان‌های سیاسی

مرحوک امیرنظام همواره اتفاقات داخلی و خارجی کشور را رصد می نموده است و در هدایت این حوادث و جریان‌های سیاسی نقش هدایت‌گری داشته است. در دوران جنبش مشروطه امیرنظام حاکم تبریز و آذربایجان بود و از او بعنوان یکی از رهبران فکری جنبش مشروطه یاد می‌شود. امیرنظام گروسی در جواب نامه محمد علی شاه قاجار که دستور دستگیری باقرخان، ستارخان و دیگر مشروطه خواهان را داده بود به عنوان حاکم وقت تبریز چنین می‌نویسد: "من کسانی را که فریادی جز آزادی و عدالت سر نداده‌اند را هرگز دستگیر نمی‌کنم". البته امیرنظام بهای این منش بزرگ و این آزادگی و کرامت نفس را نیز پرداخت و از این حکومت خلع و به حکومت کرمان گماشته شد. در این راستا سیروس برادران شکوهی در همایش بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران در دی ماه ۱۳۸۲ تهران در مقاله "یادی گذرا از کوشندگان فکری تبریز از ۱۲۱۴ تا ۱۳۲۴ ه ق" به بررسی سران فکری نهضت مشروطه در تبریز پرداخته و از نقش برجسته امیرنظام گروسی نیز یاد کرده است.

تکریم علما

امیرنظام که به شهادت بسیاری، خود مردی فاضل و دانشمند بوده است، همواره علما، ادبا و دانشمندان را تکریم می‌کرده و آنان نزد او جایگاهی ممتاز داشته‌اند. در این زمینه در تاریخ چنین آمده است: "امیرنظام میل مفراطی به ارباب علوم داشت و همواره به تشویق و تکریم و احترام معممین عالم می‌پرداخت و در نتیجه این تشویق‌ها در طی چند سال حکومت او در تبریز، علم و ادب خیلی رواج گرفت و همچنین خوشنویسی رونق یافت" (وقایع نگار کردستانی). قطعاً نقش امیرنظام در توسعه

علمی آذربایجان و به ویژه تبریز و نهادن زیربناهای علمی و ادبی و فرهنگی آن دیار در زمان خود شایان توجه بوده و انوار مشعشع اهتمام او تا قرن‌ها پس از او منشاء رویش‌ها و روشنائی‌هایی بسیاری بوده و خواهد بود.

در مورد روحیه عالم پروری او چنین گفته شده است: "حسنعلی خان امیرنظام گروسی یکی از فضلا و دانشمندان مشهور کم نظیر عهد ناصری و مظفری است ... شعرا و نویسندگان و ارباب هنر را پیوسته تشویق می‌کرد و اصحاب دانش را اکرام و انعام می‌فرمود" (احمد سهیلی خوانساری).

امیرنظام گروسی در نامه‌ای به حاجی میرزا جواد آقای مجتهد در تبریز می‌نویسد: "از حق تعالی مسئلت می‌نمایم که مرا به ادای حق آن شخص شریف که مایه مفاخرت ملت و شریعت ما، و مصدر هرگونه خیر و برکت است موفق فرماید، بمنّه وجوده..." که نشان از احترام ویژه او به روحانیت عالم و دانشمند بوده است.

قلم زیبا

امیرنظام دارای نثری بسیار زیبا و روان در نامه‌ها و منشآت دیوانی و نظامی خویش بوده است بطوری‌که نوشته‌های او در عین ساده نویسی، رعایت اختصار و ایجاز از استحکام ادبی و دستوری و شیرینی اعلائی برخوردار است. او با بهره گرفتن استادانه از همه ظرفیت‌های ادبیات عامه همچون استشهداد، بهره‌گیری و تمثیل به جا از اشعار فارسی و عربی، ضرب‌المثله‌ها، احادیث، آیات قرآن، روایات و رخدادهای تاریخی و اجتماعی و بهره‌گیری بسیار زیبا از فنون و صنایع ادبی مانند تشبیه، جناس، کنایه، موازنه و ترصیح، نثری روان، ساده و بسیار شیرین به جامعه آن زمان عرضه نمود. از زمان او و قائم مقام کاربرد برخی از مصطلحات عامه در زبان ادبی مرسوم گردیده و دیگران نیز این کار را با پیگیری بیشتری ادامه دادند.

در مورد نثر امیرنظام چنین ذکر شده است: "مرحوم امیرنظام در انشاء فارسی یکی از منشیان با ذوق و پرمایه و بلیغ است و کمال مهارت او در ساده نویسی است و نوشته‌های او علاوه بر آنکه از غلط و رکاکت و اغلاق خالی است، جزالت و سهولتی دارد که آنها را به سرحد سهل ممتنع رسانده و پندنامه یحیویه او نمونه بسیار خوب آن است" (عباس اقبال آشتیانی).

منوچهر سعید وزیری در این باره چنین می‌نویسد: "هنرمهم او که ارزش ادبی دارد، نثر نویسی ساده اوست که شیوه بیانی گیرا و دلپسند دارد، خالی از غلط لغوی و دستوری است و بری از کلمات و استعارات رکیک و بازاری و به دور از مغلق‌گویی‌ها و تعقیدات خودنمایانه است. در بررسی تاریخ ادبیات یکصد و پنجاه ساله اخیر که باید آن را عصر تجدد ادبی و هنری نامید، او را در ردیف مرحوم قائم مقام، فرهاد میرزای معتمدالدوله، فتحعلی خان صبا، فاضل خان گروسی، مجدالملک، بدایع نگار و یغمای جندقی و دیگر بنیان‌گذاران نثر نوین و ساده فارسی بر شمرده‌اند، بلکه از همه آنها روان‌تر و موثرتر می‌نوشته است" (منوچهر سعید وزیری).

دکتر محمد جعفر محبوب در مورد استحکام و شیوایی و ابتکار در نثر امیرنظام چنین می‌نویسد: "او با آنکه به زبان‌های اروپایی آشنا بود در عربیت و ادبیت نیز دستی قوی داشت و نثر فارسی را به شیوایی و استحکامی خاص می‌نوشت و از مقلدان و معتقدان میرزا ابوالقاسم قائم مقام به شمار می‌رفت. منشآت امیرنظام گروسی و نامه‌های اخوانی و سلطانی او در فصاحت و روانی و شیرینی و رعایت قوانین بلاغت، از نوشته‌های قائم مقام و حاج فرهاد میرزا دست کمی ندارد و حتی در یک مورد (وارد کردن تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات عامیانه در انشاء و استفاده و مدد گرفتن از زبان مردم برای بیان مقاصد) از آنان پیش افتاده است و از این جهت شاید بتوان او را نسبت به دهخدا پیش قدم و دارای فضل شمرد و اگر امیرنظام در این سبک معلم و مقتدای دهخدا نباشد، باری از بن‌دندان می‌توان گفت که دهخدا در نوشتن "چرند و پرند" به منشآت امیرنظام گروسی نظر داشته و از آن الهام گرفته است." (محمد جعفر محبوب).

احمد خاتمی درباره کمک منشآت امیرنظام گروسی به رمزگشایی از شرایط مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیوانی و نظامی و مالی ارکان مختلف جامعه اعم از حاکمان و سایر اقشار جامعه در عهد ناصری چنین می نویسد: "منشآت امیرنظام گروسی نوشته‌هایی است که حاوی موضوعاتی از قبیل اوضاع تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیوانی و نظامی و مالی زمان خود می باشد و نکات ناشناخته فرهنگ و تمدن و تاریخ را می‌توان در خلال خطوط آنها یافت" (خاتمی ۱۳۷۴).

امیرنظام این نوع ترکیبات و تعبیرها را با ضرب‌المثل‌ها و شعرهای فصیح فارسی و آیات قرآنی و احادیث نبوی و بیت‌ها و مثال‌های عربی با استادی و چیره دستی تمام در هم آمیخت و نثری فصیح و هموار و یک‌دست از آن پدید آورد.

از قول یک نفر خارجی، که در سند نام او ذکر نشده است، درباره خدمت او به زبان و ادب فارسی چنین گفته شده است: "این حسنعلی‌خان امیرنظام از خانواده‌های تاریخ ایران و حالا فرمانفرمای آذربایجان است، و... محققاً از امرای ممتاز و به تصدیق عامه، اولین ژنرال ایران است ولیکن من قدر و منزلت او را بالاتر از هر قسم کمالات نظامی می‌دانم. در این عهد بلکه در عهود سابق هم هیچ صاحب‌قلمی زبان فارسی را به صفا و به کمال او، ننوشته است. مادامی که زبان فارسی در دنیا زنده است تحریرات این ادیب شمشیربند، آینه فضل و روشنایی و سرمشق لطافت و فصاحت خواهد بود. اگر ایران یک آکادمی می‌داشت این ژنرال حکما رئیس آن مجمع می‌شد."

در بخشهای مختلفی از این نوشتار به عباراتی از متن کتاب پندنامه یحویه اشاره شده است. این کتاب آنگونه که خود امیرنظام در نخستین سطور آن بیان کرده است در نیمه‌های شب و به یکباره در اردوگاه سلطانیه نگاشته شده است. متنی مستحکم بدون اشکال و با مضامین اخلاقی و اجتماعی والا و بدون نیاز به تصحیح و بازبینی و مدد گرفتن استادانه از بسیاری مضامین ادبی برای بیان مقاصد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و آزادی‌نگی نشان از پختگی قلم امیرنظام در حد اعلای خود دارد.

منشآت امیرنظام نیز مجموعه نامه‌هایی است که از او به یادگار مانده است. بخشی از آن در کتابی تحت عنوان "گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی" شامل ۱۵۹ نامه به کوشش ایرج افشار و با مقدمه ایشان توسط مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر افشار یزدی در ۵۹۰ صفحه در تهران به چاپ رسیده است که در ادامه بخشی از نامه او خطاب به میرزا عباس خان قوام‌الدوله بعنوان نمونه دیگری از نثر زیبای او از این کتاب آورده شده است.

"فدایت شوم، باز قلمی برداشته و دو اسبه بر من بیچاره تاخته بودید. آقای من و مولای من، وزیر داخله، وکیل مهمام مملکت آذربایجان به قول مرحوم مغفور مؤیدالدوله که به امین لشکر می‌گفت:

ملکا، مها، نگارا، صنما، بتا، بهارا
متحیرم ندانم که تو خود چه نام داری!

آن وقت میرزا عباس خشک و خالی بودی، بنده مخلص و معتقد سرکار بودم و بر صدر اعظمی و ریاست سرکار قول گذاشته، حالا که قوام‌الدوله، وزیر داخله، وکیل آذربایجان و محرم اسرار سلطنت و فلان و فلان هستی اگر دعوی الوهیت بکنید آما و صدقنا!

کدام احمق مطلق است که جلالت شأن شما را نداند و یا عیاذاً بالله، ملازمان عالی را به چشم حقارت ببیند و آن کس که تردید داشته و ندانسته که شأن کدام یکی از من و جناب ناصرالملک و جنابعالی بالاتر است، ساده و بی‌خبر بوده است. بنده و ناصرالملک را کجا می‌برند؟ مال‌التراب و ربّ الأرباب! تو باز تیز پنجه و ما صعوه ضعیف! واللّه شأن شما بالاتر است. فرستادن لایحه هم لازم نبود، زیرا که شما بی‌رقم قوشچی باشی هستید. دست و پا کوتاه را بخت بلند شما مخبط کرد و الا از خراسان کوس بسته برای صدر اعظمی آمده بود و از حرکات و سکنات او چیزهای مضحک می‌نویسند و خنده باید کرد..."

علاوه بر کتاب‌های منشآت و پندنامه یحیویه که در بخش‌های پیشین اشاراتی به مشخصات آنها شده است، بعد از گذشت ده‌ها سال نامه‌های دیگری از امیرنظام گروسی به دست برخی محققین می‌رسد که در گذشته نام و نشانی از وجود آنها نبوده است و اکنون پس سال‌ها در مورد آنها و محتوای آنها مقالاتی چاپ و نوشته می‌شود. این نامه در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود و بیم آن می‌رود که در اثر سهل‌انگاری یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی، مانند آثار برخی از ادیبان از بین برود. با توجه به اهمیت این موضوع به دو مورد از این نامه‌ها اشاره مختصری می‌شود که توسط پژوهشگر فرهیخته آقای محمد جواد جدی در نشریه گزارش میراث چاپ و ارائه شده است. مرحوم امیرنظام نامه اول را در چند ماه پایانی عمر و زمانی که در کرمان بوده است به ادیب الممالک فراهانی نوشته است. نامه دوم هم که از گزند ناشی از نگهداری نامناسب در امان نمانده است خطاب به فردی به نام دبیر حضرت نوشته شده است. به دلیل اینکه بخش‌هایی از نامه آسیب دیده است دقیقاً معلوم نیست که مخاطب این نامه چه کسی بوده است.

علاقه وافر به شعر

امیرنظام گروسی ادیبی صاحب قلم و صاحب سبک و شعر شناس بوده است و گاهی نیز شعر می‌سروده است. از جمله آنها می‌توان به بیتی اشاره کرد که در جواب این شعر معروف حضرت حافظ سروده شده است

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

او نذ جواب حضرت حافظ گفته است :

اگر آن کرد گروسی بدست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم تن و جان و سر و پا را

جوانمردی بدان باشد که ملک خویشتن بخشی نه چون حافظ که می‌بخشد سمرقند و بخارا را

و در ادامه شعری دیگر همچون شهریار، دکتر انوشه، آقای آصف و آقای مجید زارع بیدکی نیز جواب‌هایی منظوم به شعر حضرت حافظ و پاسخ منظوم امیرنظام داده اند. وصیت دوبیتی و منظوم او که برای نوشتن بر سنگ مزارش سروده است نیز نمونه دیگری از طبع شعری اوست.

ای آنکه برنج بینوایی مرده در حالت وصل از جدایی مرده

با این همه آب تشنه لب رفته به خاک اندر سر گنج از گدایی مرده

خط زیبا و ابداعی

امیرنظام دارای شیوه و خط منحصر به فرد، ابداعی و بسیار زیبایی موسوم به "شیوه/امیرنظام" بوده است که به قول میرزا شکرالله سنندجی "فرید عصر در خط و انشاء" (میرزا شکرالله سنندجی) بوده است و دکتر محمد جعفر محبوب در باره خط و شیوه امیرنظام چنین می‌نویسد: "امیرنظام مردی صاحب ذوق و شعر دوست و سخن شناس بود و خط تحریری بسیار خوشی چون پر طاووس داشت و خود شیوه‌ای در خط تحریری ابداع نمود که به شیوه امیرنظام معروف شد و در همان اوان خواستاران و مقلدان فراوانی یافت. در هر حال اگر امیرنظام را در دوران خود صاحب بهترین و زیباترین خط در شمار نیاوریم، بطور قطع می‌توان او را یکی از چند تن استادان معدود خط شکسته شمرد." (محمد جعفر محبوب).

پیشگام در آموزش نوین ایران

امیرنظام گروسی به پیشرفت و تعالی فرزندان ایران زمین علاقه بسیاری داشت. او با آنکه خود به سبک سنتی آن زمان تحصیل کرده بود و در تحصیل به آن روش نیز موفقیتی بسیار پیدا کرده بوده است، با رویی گشاده به حمایت و استقبال از آموزش‌های نوین در ایران می‌رود. او از اهمیت مراکز تعلیم و تربیت در ایجاد تحولات اجتماعی بخوبی آگاه بود و از تاسیس مدرسه رشديه حمایت بسیار کرد و موسس آن حاج میرزا حسن رشديه را یاری داد. می‌توان گفت توفیق مدارس رشديه در ایران و بازگشایی دارالفنون تبریز پس از تعطیلی در سایه حمایت‌های مستقیم امیرنظام و امر او بوده است.

امیرنظام در زمان وزیر مختاری در فرانسه نیز سرپرستی گروهی ۴۲ نفره از دانشجویان ایرانی را بر عهده گرفت و همه نوع حمایت مادی و معنوی را از آنان به عمل می‌آورد و نسبت به کیفیت تحصیلی آنان حساسیت بسیار داشت و آنگونه که میرزا علی اکبر وقایع نگار کردستانی بیان می‌کند: "امیرنظام پدرا نه در تربیت همه جوانان ایرانی که در فرانسه تحت حمایت او بودند، می‌کوشید" (وقایع نگار کردستانی). او تلاش‌ها و حمایت‌های بسیاری در بنیانگذاری آموزش‌های نوین در ایران داشته است بطوریکه او را می‌توان در شمار اولین پیشگامان آموزشهای نوین در ایران برشمرد.

تأثیر بر ادبا و علمای نامی

امیرنظام دارای آنچنان شخصیت علمی و ادبی و کلام و قلم نافذی بوده است که ادبا و علمای بسیاری مانند ایرج میرزا و ادیب الممالک فراهانی در آن عصر متأثر از او بوده اند و بعدها نیز علما و ادبای دیگری چون علامه طباطبائی و دهخدا آثار او را مطالعه کرده‌اند و از روش، شخصیت، کلام و قلم او تأثیر گرفته‌اند.

ایرج میرزا ملقب به "جلال الممالک" تحصیلات اولیه را نزد معلمی که پدر برایش مشخص کرده بود، گذراند و آنگاه وارد دارالفنون شد. در آنجا زبان فرانسه را آموخت و به تحصیل در معانی و منطق پرداخت. در سن ۱۴ سالگی به همت امیرنظام گروسی، که در اشعار بسیاری مورد ستایش ایرج میرزا قرار گرفته و در واقع حق پدری برگردن او دارد، نزد مسیو "لامپر" فرانسوی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. ایرج میرزا در باب تأثیر اشعار او از تربیت امیرنظام چنین سروده است:

هست از مرحمت و تربیت حضرت میر ایرج ار محکم و سنجیده بود اشعارش

ادیب الممالک فراهانی نیز از جمله ادبای عهد قاجار است که متأثر از روش، شخصیت، کلام و قلم امیرنظام گروسی بوده است. زمانی که او به پایدردی امیرنظام به دربار شاهزاده طهماسب میرزا مویدالدوله راه یافت و با امیرنظام گروسی، که در آن زمان وزیر فواید عامه بود، بیشتر آشنا شد، به افتخار او و تحت تأثیر او تخلص خود را از پروانه به امیری مبدل ساخت.

علامه دهخدا صاحب اثر جاودان فرهنگ دهخدا نیز در نوشتن کتاب "چرند و پرند" متأثر از نثر ساده و شیرین و زیبای منشآت امیرنظام بوده است و از آن الهام گرفته است. دکتر محمد جعفر محجوب در این باره اظهار می‌دارد: "اگر امیرنظام در این سبک (وارد کردن تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات عامیانه در انشاء و استفاده و مدد گرفتن از زبانهای مردم برای بیان مقاصد) معلم و مقتدای دهخدا نباشد، باری از بن دندان می‌توان گفت که دهخدا در نوشتن چرند و پرند به منشآت امیرنظام گروسی نظر داشته و از آن الهام گرفته است" (محمد جعفر محجوب).

جلال الدین همائی شاعر، نویسنده، پژوهشگر و مصحح ایرانی، علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان و آیت الله علی احمدی میانجی نیز در تحصیلات ابتدایی خود متون ادبی بسیاری و از آنجمله منشآت امیرنظام را آموخته‌اند. به نظر می‌رسد آموختن منشآت امیرنظام یکی از درسهای حوزه‌های علمیه بوده است.

مرحوم حاج عبدالحمید عرفانی سنندجی، قصیده "لامیه الکرد" را در مقابل "لامیه العرب" مشهور قیس رازی و "لامیه العجم" طغرائی اصفهانی نگاشته است. دو قصیده «لامیه العجم طغرائی اصفهانی و لامیه العرب قیس رازی، در جهان اسلام و محافل علمی و دانشگاهی جهان از شهرت به سزایی برخوردار است و دارای ارزش ادبی فراوانی هستند. قصیده لامیه الکرد از نظر ادبی شاید بهتر و بالاتر از لامیه العرب و نیز لامیه العجم باشد. این قصیده در مدح امیرنظام گروسی سروده شده است و چنین به نظر می‌رسد که مرحوم عرفان قصیده لامیه الکرد را به مناسبت بازگشت مرحوم امیرنظام گروسی از یک مسافرت نسبتاً طولانی، سروده است که در غیاب ایشان ولایت گروس و کردستان دچار قحطی، فتنه، آشوب و هرج و مرج بسیار شده و با رجعت آن سردار نامی، نائره فتنه خاموش و آشوب‌گران سرکوب شده‌اند و شاید منظور از این مسافرت سفر امیرنظام به دیار فرنگ بوده است (سید اسماعیل حسینی).

دیپلماسی قوی

امیرنظام سالهای زیادی از عمر پربارش را در مغرب زمین و در کشورهای فرانسه و انگلیس و در کشور اسلامی عثمانی بعنوان وزیر مختار ایران گذرانید و یکی از دیپلماتهای کاردان و برجسته آن زمان بود که زبان فرانسه را نیز به خوبی و همچو اهالی آن کشور تکلم می‌کرد. او در اوقات خالی خود در زمان سفارت ایران در فرانسه به بازدید از کارخانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و سربازخانه‌ها می‌پرداخت و دائماً در حال تحقیق از اوضاع آن ممالک بود که تاسیس بانک در ایران از جمله مطالعات و اقدامات او در فرانسه بود. در زمان خدمت او در فرانسه دستگاه‌های چاپ، ضرب سکه و تجهیزات تلگراف خریداری و به ایران ارسال شد، بطوریکه در همان سال خطوط تلگراف تا شمیران و تبریز امتداد یافت و بعداً خط تلگراف تهران - گیلان نیز به کار افتاد. اقدام او در معرفی و استخدام یک موسیقی‌دان نظام در همین زمان موجب پیدایش موسیقی مدرن و تاسیس موزیک سلطنتی در ایران شد.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در باب توان دیپلماسی او چنین می‌نویسد "امیرنظام در دیپلماسی و لغت فرانسه طراز اول رجال دولت علیه است" (محمد حسن خان اعتماد السلطنه) و منوچهر سعید وزیری به بیان نقش او در ساختار و تشکیلات وزارت خارجه می‌پردازد و بیان می‌دارد "تشکیلات وزارت امور خارجه ایران حاصل فکر و تجارب حسنعلی خان گروسی بوده که در طول زمان رو به تکامل گذاشته و تنظیم روابط خارجی نیز کم و بیش با مصلحت‌های امیرنظام انجام می‌شده." (منوچهر سعید وزیری). او باز در ادامه می‌نویسد: "امیرنظام در اثر لیاقت و کاردانی، رضایت و احترام مقامات دربارهای اروپایی را به خود جلب کرده و به دریافت نشان "عقاب سفید" از آلمان، "لژیون دوپور" از فرانسه، "لئوپولد" از بلژیک، "سن موریس" و "سنت لازار" از ایتالیا، "کوردولویار" از روسیه، "دانبِرک" از دانمارک، و نشان "مجديه" از دولت اسلامی عثمانی موفق شد" (منوچهر سعید وزیری). به گفته دوستعلی خان معیرالممالک: "امیرنظام زبان فرانسه را مانند اهل آن کشور تکلم می‌کرد و طرف توجه ناپلئون و ملکه آژنی قرار داشت." (دوستعلی خان معیرالممالک)

نامزدی صدارت اعظمی ایران

امیرنظام در دوران خدمت خود سمتهای سیاسی، نظامی و حکومتی بسیاری داشته است و به شایستگی و صادقانه از عهده همه آنها برآمده است. او فرماندهی جنگ، حکومت ایالات، وزیرمختاری، وزارت فوائد عامه و ... را در کارنامه درخشان خود داشته است. به گواه تاریخ او بارها نامزد صدراعظمی ایران کرده بودند و به کرات از او خواسته شده بود این مسئولیت را بپذیرد. او هیچگاه به دلایلی که در ادامه آمده است و در تاریخ ثبت شده است، حاضر به قبول آن نمی‌شود.

در کتاب تاریخ انحطاط مجلس نوشته مجدالاسلام کرمانی آمده است که "شاه در خیال عزل و انفصال فرمانفرما افتاد او را خواست و فرمود الان بروید تلگراف کنید امیرنظام بیاید و او را صدر اعظم بکنیم فرمانفرما دانست که مطلب از چه قرار است فوراً به حکم شاه ناچار رفت و به امیرنظام تلگراف کرد و حسب الامر او را به تهران احضار نمود امیرنظام هم پیرمرد و علیل جواب داد که اگر مرا برای خدمت می‌خواهند به واسطه پیری و علت فراج کار نمی‌توانم کرد و هرگاه منصوباً و معزولاً باید بیایم حاضر فرمانفرما جواب را توقیف نمود و در ثانی درباریان را جمع نمود و به آنها گفت شما خیال کردید پدر مرا بسوزانید پدر خودتان را سوزانید این همان امیرنظام است که در تبریز اعتنای سگ به هیچکدام شما در موقع بیکاری نمی‌کرد، معلوم است حالا که صدر اعظم شود چه خواهد کرد شما ممنون باشید از اینکه عذر آورده و دیگر احضار او را تعقیب ننمایید سپس صدارت را درباره امین الدوله به رای گذاشتند که درباری‌ها پذیرفتند. پس از آن تلگراف امیرنظام را از نظر شاه گذرانیده شاه گفت چه باید کرد همه متفق القول گفتند امروز شایسته این مقام، امین الدوله است". نویسنده کتاب هرات در قلمرو استعمار نیز آورده است که "میرزا عبدالله خان مبین‌الملک برای استحضار مرحوم حسن‌علی‌خان امیرنظام گروسی نگاشته و طی آن معروض داشته که جمعی از وزرا درجه اول دربار و سائل صدارت امیرنظام را فراهم ساخته‌اند و حسن‌علی‌خان در حاشیه آن نامه به خط خود نوشت بارها این تکلیف به او شده قبول نکرده و در آن خط زیبای میرزا عبدالله خان و خط زیباتر و معروف امیرنظام گروسی کاملاً پیداست و قابل تقلید نیست و جای تردید در اصالت آن سند باقی نمی‌گذارد".

در جایی دیگر نیز نسبت به امتناع امیرنظام گروسی در قبول مقام صدارت عظمای ایران میرزا عبدالله خان مبین‌الملک که در سفر و حضر همراه امیرنظام بود چنین حکایت می‌کند که "چند مرتبه از طرف ناصرالدین شاه و وزرا و رجال درباری به امیرنظام گروسی تکلیف شد صدر اعظم ایران شود ولی حسن‌علی‌خان در هر دفعه سرنوشت میرزاتقی‌خان امیرکبیر را یادآور شده و از قبول آن خودداری کرده و گفته بود که من اگر بخواهم به کشور و پادشاه خود صادقانه خدمت کنم باید در مقام صدارت، علل بدبختی و نابسامانی را از بین ببرم و آن علت‌ها به غیر شماها وزراء و رجال چیز دیگری نیست و باید در همان روزهای نخست قبول مسئولیت همه شماها را از بین ببرم یا حداقل راه مداخله همه را ببندم و این امر غیر ممکن است به دلیل آنکه به کشتن شما قادر نیستم چون با همه یا اکثریتان دوست هستم و نان و نمک خورده‌ام و اگر شماها را زنده بگذارم ولی راه مداخله‌تان را ببندم مرا هم نزد میرزاتقی‌خان امیرکبیر خواهید فرستاد".

گمنامی

امیرنظام با آنکه یکی از رجال نامدار ایران در عرصه علم و ادب و مدیریت و دیپلماسی و هنر بوده و روح و جان او مزین به تقوی و آزادی بوده است و سرمایه‌ای معنوی برای ایران است، مظلومیتی بزرگ قرین نام او گشته است. شایسته است غبار از چهره مصمم و خدوم او زدوده شود و سال‌ها خدمت صادقانه و مدبرانه او که به چیزی جز اعتلای ایران زمین فکر نمی‌کرد، ارج نهاده شود. شایسته است منش و سخن او حتی در حد چند سطر از پندنامه او به فرزندش، که به حق پندی برای همه و همیشه است، یا بخشی از منشآتش در نظام آموزشی جایی داشته باشد. شایسته است فضایی درخور در شهرهای ایران مانند تهران، تبریز، زنجان، کرمان، سنندج، کرمانشاه، همدان و زادگاهش بیجار گروس، که او در آن شهرها مصادرات شگرفی بوده است، به نام او نامگذاری شود و تندیس زیبایی از او جهت آشنایی عامه مردم نصب شود. شایسته است اساتید خط، کتاب آموزش خط "شیوه امیرنظام" را تدوین و به مخاطبان عرضه کنند. تولید محتوای‌های فرهنگی و هنری مانند فیلم، سریال و نمایش می‌تواند به معرفی و شناساندن او به نسل جدید کمک کند. مجموعاً شایسته است این چهره فاخر و فاضل به روش‌های مقتضی به جامعه شناسانده شود.

نتیجه‌گیری

مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی مردی شرافتمند، درستکار و با تقوی و دارای منشی بزرگ و آزادگی مثال‌زدنی بود. این صفات حمیده اخلاقی است که در کنار کاردانی و سیاست‌مداری و نبوغ نظامی و هنری، نام او را بر تارک تاریخ این کشور در ردیف نام بزرگانی چون امیرکبیر و قائم‌مقام قرار داده است. چنین شخصیت‌هایی، که سراسر عمر خود را صادقانه وقف خدمت به میهن و اعتلای آن کرده‌اند و تا واپسین لحظات عمرشان همواره مصدر خدمت بوده‌اند به راستی حقی بزرگ بر گردن فرزندان این کشور دارند.

وقایع‌نگار کردستانی ملت و دولت ایران را چنین مخاطب قرار می‌دهد: "سزاوار است ملت و ابنای دولت ایران در میان اهالی دول معظمه روی زمین به وجود چنین سرداری افتخار نمایند که با قوه خدمت و کثرت زحمت و جان‌فشانی در راه دولت و ولی نعمت و طی درجات مهلکه و مشکله به این مقام سترگ مایل و این رتبه بزرگ را حاصل کرده است" (وقایع‌نگار کردستانی).

شایسته است این شخصیت ممتاز که در نزد اصحاب ادب و فضل شخصیتی نامدار است بیش از این در نزد عامه مردم گمنام نباشد و با شناختن امیرنظام و امیرنظام‌های دیگر به نسل جوان، الگویی را ستین از وفاداری و آزادگی و علم و ادب و فضل و هنر از آنان برای عامه مردم ترسیم شود.

مراجع

- (۱) کوشا، محمدعلی، سیمای بیجار گروسی و مشاهیر آن، انتشارات دانشگاه کردستان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- (۲) محمدعلی کو شا. ۱۳۸۴. سه دانشور نامور بیجار گروس: پژوهشی در زندگی و آثار سه فرزانه فضل و ادب محمدفاضل خان گروسی، حسنعلی خان امیرنظام گروسی، علامه شیخ عبدالحسین فاضل گروسی. صحیفه خرد
- (۳) مهری بسناس. ۱۳۸۳. زندگی‌نامه: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی حسنعلی خان امیرنظام گروسی. آحاد
- (۴) محمد کلهر، هنگامه خلیلی. ۱۳۹۹. بررسی تحلیلی زندگانی امیرنظام گروسی با تمرکز بر دوره ناصری و مظفری. آرشیو ملی. ۱۳۸-۱۵۶. ۲۱-۲۲.
- (۵) محمد مریوانی*. ۱۳۹۶. نقش علیرضاخان گروسی در همراهی و تقابل با حکومت مشروطه. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. ۲۷-۴۶.
- (۶) محمدجواد جدی. ۱۳۹۵. برگ‌های تاریخ (۱)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) به ادیب الممالک فراهانی. گزارش میراث. ۴۹-۵۲.
- (۷) عباس قدیمی قیداری، رضا دهقانی، غلامعلی پاشا زاده، مرتضی خسروپناه. ۱۳۹۵. حسنعلی خان امیرنظام گروسی؛ سنت و مدرنیته (۱۲۳۶-۱۳۱۷ه. ق). (دولتی-وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه تبریز - دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- (۸) حبیب ارجمندزاده، علی رضا ملایی توانی، محمد مریوانی. ۱۳۹۱. بررسی خاندان حکومتگر گروسی در بیجار از دوران صفویه تا پایان قاجار. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری-دانشگاه ارومیه
- (۹) زهرا قیداری. ۱۳۹۰. تعامل تاریخ و ادبیات در منشآت امیرنظام گروسی. رشد آموزش تاریخ. ۱۴. ۴۲.
- (۱۰) علی محمدی‌برنجه. ۱۳۸۵. منشآت امیرنظام گروسی. سیب سبز
- (۱۱) شهرام غلامی. ۱۳۸۲. گوشه‌هایی از فعالیت‌های دیپلماسی و دیدگاه‌های سیاسی امیرنظام گروسی. فرهنگ کردستان. ۱۶۰.

- (۱۲) وقایع نگار کردستانی، میرزا علی اکبر: حدیقه ناصری، مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد رئوف توکلی، ناشر مصحح، تهران ۱۳۶۴.
- (۱۳) امیرنظام گروسی، حسنعلی خان (۱۳۶۶)، پندنامه یحویه، با مقدمه منوچهر سعید وزیری، تهران، نقره.
- (۱۴) کافی امیرانی مجله یادگار، سال سوم شماره های ۶ و ۷
- (۱۵) اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، تهران فرهنگ معاصر
- (۱۶) دولت آبادی، یحیی (۱۳۸۷). حیات یحیی، مقدمه تصحیح و تعلیقات مجتبی برز آبادی فراهانی، تهران: فردوس.
- (۱۷) سیف‌الله وحیدنیا. ۱۳۹۰. یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ قمری. آبی
- (۱۸) دوستعلی خان معیرالممالک، رجال عصر ناصری، ۱۳۶۱، تهران، نشر تاریخ ایران
- (۱۹) عزیزالله کاسب. ۱۳۶۸. منحنی قدرت در تاریخ ایران. انتشارات عزیزالله کاسب
- (۲۰) محمد، مردوخ، تاریخ مردوخ (تاریخ کرد و کردستان و توابع)، ۱۳۷۹، تهران: نشر کارنگ،
- (۲۱) سهیلی خوانساری، احمد، امیرنظام در سفارت، فرانسه و انگلستان، کتابخانه اقبال، ۱۳۵۷.
- (۲۲) خاتمی، احمد، ۱۳۷۴، مقدمه نظم و نشر دوره بازگشت ادبی، انتشارات پایا
- (۲۳) محمدجواد جدی (۱۳۹۵)، برگی از تاریخ (۱)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام)، میراث مکتوب - شماره ۷۷ - ۷۶
- (۲۴) محمدجواد جدی (۱۳۹۶)، برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام)، میراث مکتوب - شماره ۷۹ - ۷۸
- (۲۵) سنندجی، میرزا شکرالله (۱۳۷۵)، تحفه ناصریدر جغرافیا و تاریخ کردستان، مقابله و تصحیح: حشمت‌الله طبیبی، تهران: امیرکبیر.
- (۲۶) عباس اقبال آشتیانی، مجله یادگار، ۱۳۲۳، تهران
- (۲۷) ایرج میرزا (دیوان کامل)، به‌اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: انتشارات اندیشه، چاپ اول، ۱۳۴۲.
- (۲۸) زرین پور، داود، سلیمان زاده نجفی، سیدرضا. (۱۳۹۶). نقد موسیقایی لامیه التُّرک و لامیه الکرْد. زبان و ادبیات عربی ۱۲۵-۸۹، (۱۶) ۹،